گردشگری

جزیره هرمز وقصه کنیز...!



آرزو احمدزاده

به جـرات می تـوان گفت که هرمـز یکی از زیباترین جزیره‌های جنوبی ایران است. برای رسـیدن به هرمز با قطار بـه بندرعباس، و از ایستگاه راه‌آهن به اسکله حقانی رفتیم. سوار بر لنج مسافربر شدیم و به سمت جزیره هرمز حرکت کردیم. به جزیره که رسیدیم به گشت زنی در هرمز پرداختیم. تنگـه اژدها و پرتگاه غروب، غار نمکی، قلعه پرتغالی‌ها، دره رنگین کمان، معدن خاک سـرخ و بزرگترین فرش خاکی که هنرمندان بـا کمک اهالی جزیره از خاک‌های رنگی داخل جزیره بر ساحل هرمز ترسیم می کنند.

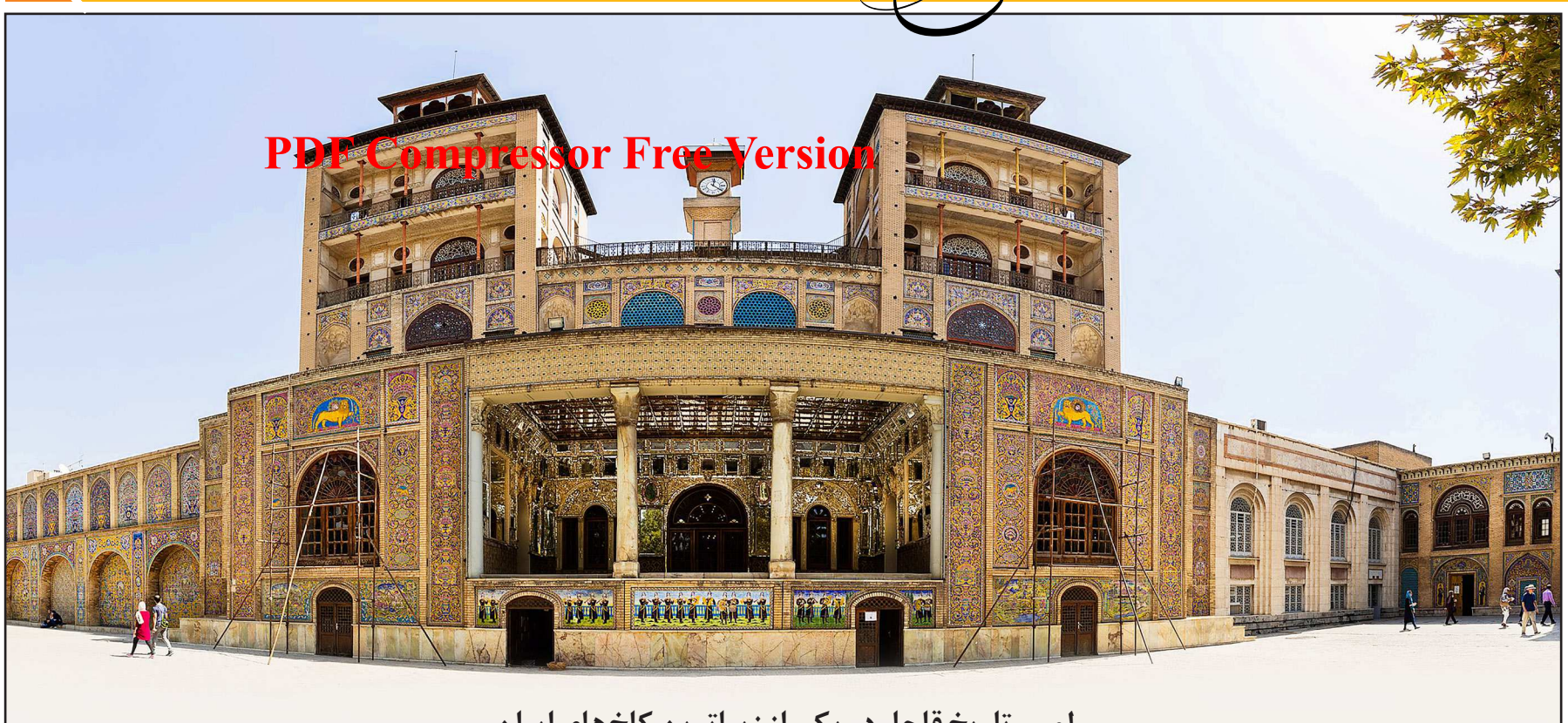
یکی دیگر از جاذبه‌های جزیره هرمز، نگارخانه دایمی دکتر نادعلیان اسـت. دکتر نادعلیان هنرمند و اسـتاد دانشگاهی سـت که سالها پیش بـه هرمز آمـده و یکـی از خرابه ترین خانه‌های جزیره را خریـده و آنجا را تبدیل به نگارخانه میکند. به زنان هرمز، نقاشی بر روی شیشه با خاک‌های رنگی جزیره را یاد میدهد و اینک یکی از سوغاتی‌های هرمز همین نقاشی هاسـت. توصیه میکنم اگر به هرمز رفتید به دیوار خانه‌ها دقت کنید، خطوط و فلش‌های روی دیوارها شـما را تا خانه دکتـر نادعلیان میبرند. شـام را منزل یکی از زنان جزیره قرار بود قلیه ماهی محلی بخوریـم. وارد خانه که شدیم همه شوکه شدیم. انگار که وارد یه گالری نقاشی شـده‌ایم. اما نقاشـی‌های بدون قاب. تمام دیوارهای خانه نقاشی شده بود مثل پرده نقالی. نقاشی ها روایت یک داستان بودند. زنی میانسال با لبخندی وارد شد و خوش آمدگویی کرد. او کنیز بود. اسـمش کنیز بود. مهربان و دلنشین. کنیز قصه نقاشی‌ها را برایمان تعریف کرد. کنیز روایت زندگی خـودش را بر دیوار خانه اش کشیده بود.

کنیز یکـی از چهـار فرزندی بود کـه از ۲۷ فرزنـد پدر و مـادرش زنده مانده بـود. او در هفت سالگی شوهر می کند بهتر است بگویم شـوهرش می‌دهند به مردی کـه از خودش خیلی بزرگتر اسـت. کنیز همسر دوم آن مرد بوده و در اصل به آن خانه برده شـده تا کنیز همسر اول باشد. از همسر اولش جدا می‌شود و دوباره ازدواج می کند. همسری معتاد و زندگی سخت دلیل جدایی‌اش از همسر دومش بود. بالاخره تصمیمـش را می گیـرد و روی پای خودش می‌ایسـتد و کار می کند تا خرج خود و فرزندانش را دربیـاورد. او در حال حاضر ۱۳ فرزند دارد. با همه مشقت‌هایی که کشیده اما لحظه‌ای لبخند از لبانش دور نمی‌شود. خوشا به حالت کنیز که در جـدال با روزگار تو برنده شدی. روزگار بر تو بسـیار سخت گرفت اما تو پیروز میدان بودی. درود بر تو کنیز.

سرزمین خاک‌های سرخ؛ فرش خاک هرمز

«خاک» یکی از دیدنی‌های هرمز است؛ ذره ذره خاکش، ترکیب افق، ساحل رنگی و نقش خلیج‌فـارس؛ وقتی که می گوییـم نقره‌ای و طلایی و سرخ، فقط واژه اسـت، نقره‌ای خود طیفی می‌شود که با رنگ آفتاب بازی می کند، گاهی کم‌رنگ‌تـر و گاهـی پررنگ‌تر، گاهی از فرط روشـنایی به رنگ آسـمان‌ها نزدیک می‌شود و گاهی از فرط تیرگی گویی می‌شود ذره‌ای از دل شب که نور مهتاب بر آن می‌تابد. بقیه رنگ‌ها نیز همین است، خاک سرخ فقط یک تمثیل اسـت تا تو را به دنیـای آرزوها و دنیای رنگ‌ها ببرد. خاک است و آفتاب و رنگ، آن‌قدر پرتلالو که نقش خیال می‌زند و بسیاری که نقش هنر در ذهن دارند، در مناسبت‌های مختلف بر ساحل این جزیره گردهم می‌آیند و فرشـی از خاک بـا طرح‌های بکر ترسـیم می کنند. حدود ۳ سـال پیاپی اسـت که به مناسبت‌های مختلف فرش خاکی هرمز که با استفاده از خاک‌های رنگارنگ جزیره ترسیم می‌شود، بهانه‌ای اسـت تا هنرمندان گردهم آیند و نقش خاک را بـر دل زمین بزنند. زمان برگزاری دقیق این مراسم همه؟ ساله مشخص نیست، ولی اصولا در نیمه دوم سال که بیشتر فصل سفر به جنوب اسـت و یا در اردیبهشت ماه به مناسبت روز ملی خلیج‌فارس این برنامه تکرار می‌شود.

PDF Compressor Free Version



لمس تاریخ قاجار در یکی از زیباترین کاخ‌های ایران

کاخ موزه گلستان

از پله‌های متروی ایستگاه «بازار» که معمولاً شلوغ تر از دیگر ایستگاه‌های متروست بالا می‌روم، زمانی که آفتاب مستقیم به چشمانم می‌زند سه پله مانده است تا به یکی از معدود خیابان‌های سنگفرش شدهٔ تهران پا بگذارم. برای بازدید از مجموعهٔ «کاخ گلستان» به دلیل طرح ترافیک و سنگفرش خیابان، تردد وسایل نقلیه شخصی ممنوع است و مترو بهترین گزینه برای رسیدن به کاخ است اما تاکسیهای خطی بازار و یا توبوسهای خط امام خمینی و قورخانه هم انتخابهای بعدی هستند. از ایستگاه مترو مسیری پنج دقیقه‌ای را به سمت شرق طی می کنم و به میدان ارگ می‌رسم. در یک طرف میدان دادسرای عمومی و در طرف دیگر یک کلانتری است. بالاتر از میدان ارگ یکی از زیباترین کاخ‌های ایران که شاه و شاهزادگان بسیاری را از سلسلهٔ قاجار به خود دیده، باقدمتی حدود ۲۴۲ سال جا خوش کرده است.

پگاه افسری

برای تهیه بلیت موزه مجموعه کاخ گلستان در روزهای تعطیل ممکن است از پانزده دقیقه تا نیم سـاعت در صف بمانیم. پس از صف بلیت وارد ساختمان کوچک اما تمیز و مجهزی می‌شـوم که امکان خرید بلیت از دسـتگاه‌های هوشمند را فراهم کرده است و دستگاه کارت‌خوان هم دارد. همچنین باجه‌هایی برای کسانی که علاقه‌مند به خرید نقدی هسـتند. هزینه ورودی و بازدید از ۱۲ موزه (ایوان تخـت مرمر و خلوت کریم خانی رایگان هسـتند) ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان است. بعضی از موزه‌ها مانند تالار اصلی و تالار شمس العماره علاقه‌مندان زیادی دارند و جدا از صف تا ورودیشان به دلیل شلوغی محدودیت در زمان بازدید هم دارند، اما همهٔ این شلوغی‌ها به دیدن این بناهای تاریخی می‌ارزد. برای دیدن تمام موزه‌ها و گشتی در باغ حدوداً شش ساعت زمان گذاشتم که بسته به میزان علاقه‌مندی شـما ممکن است زمان کمتر و یا بیشـتری نیاز باشد. پیش از برنامه‌ریزی در نظر داشـته باشید که ساعت بازدید از مجموعه کاخ گلستان در ۶ ماهه نخست سال از ساعت ۹ تا ۱۸ و در ۶ ماهه دوم سال از ساعت ۹ تا ۱۷ است و حتماً در روزهای تعطیل رسمی با روابط عمومی مجموعه هماهنگ کنید و تنها به اطلاعات سـایت کاخ موزه گلستان اکتفا نکنید.

عکس آدمهایی که آشپزی میکنند و یا روی پلهای نشستهاند اما هیچکدام حتی لبخندی بر لب ندارند، حتی ملیجک هم در تمام عکس‌ها عجیب غمگین است. با دیدن این عکس‌ها فکر می‌کنم از چه تاریخی خندیدن و یا لبخند زدن در عکس‌های یادگاری مد شد؟!

خودنمایی نقش‌های شاهنامه بر دیوارهای باغ

هر چند برای نخستین بار است که وارد کاخ گلستان می‌شوم اما در همان نگاه اول عظمت بـاغ و عمارت‌هایش در چند ثانیه تا همیشه در ذهنم حک می‌شود. باغی گسترده پر از درختهایی تنومنـد بـا دیوارهایـی منقش به نقاشی‌هایی از شـاهنامه فردوسی و گاه از سواحل شرق دور که جاذبه‌های ماندگاری برای عکاسـی هستند. در ابتدای باغ حوضی مستطیل شکل وجود دارد که در ادامه به حوض دایره‌ای شکل متصل می‌شـود و اغلب استراحتگاه گردشگران اسـت. این حوض درست روبروی «ایوان تخت مرمر» قرار دارد.

ایوان تخت مرمر قدیمی‌ترین بنای کاخ گلستان است. درسـت در وسط سالنی که بزرگترین آینه‌ها و شیشه‌های مشـبک بدون اسـتفاده از چسب و با تکنیک ویژه‌ای ساخته شده‌اند «تخت مرمر» قرار دارد. تختی مستطیل شکل، باشش فرشته در اطرافش که آن را حمل می‌کنند. بنا بر روایت‌ها، تخت مرمر به دستور فتحعلی خان قاجار و بر اساس داستان تخت سلیمان ساخته شده است. در کنارههای این تخت که ارتفاع یک متری دارد، شعرهای «ملک‌الشعرا بهار» با قلم نستعلیق استاد «مهدی تهرانی ملک‌الکتاب سلطانی» نوشته شده است. وقتی در میان سالن میایستم خودم را در آینه کاری‌های ظریف و هنرمندانه‌اش می‌بینم و فکر می کنم اگر شش فرشته حمل کنندهٔ این تخت مرمـر زبان به سخن می گشـودند از مراسم «سلام» پادشاهان قاجار در نخستین روز سال و «بارعام» چه خاطراتی داشتند؟

تاریخ تصویری کاخ گلستان

موزهٔ عکسخانه شاید تاریخ تصویری کاخ گلستان و عمارت‌های وابسته‌اش باشـد از زمان ورود نخستین دوربین عکاسی به ایران. اغلب عکس های این موزه را ناصرالدین‌شاه با علاقهٔ فراوانش به هنر عکاسی از این باغ و عمارت‌ها گرفته است. چیزی که در این عکسها توجهم راجلب می کند آدمهای متفاوتش است. عکس آدم‌هایی که آشپزی میکنند و یا روی پله‌ای نشسته‌اند اما هیچکدام حتی لبخندی بر لب ندارند، حتی ملیجک هم در تمـام عکس‌ها عجیب غمگین است. با دیدن این عکس‌ها فکر می کنم از چه تاریخی خندیدن و یا لبخند زدن در عکس‌های یادگاری مد شد؟! جلوتر میروم، در کنج دیگری زنان قاجار از روی عادت و بدون هیچ ژست خاصی نگاهم می کنند؛ گاه قلیان دستشـان است و گاه دور هم نشسته‌اند. ناصرالدین‌شاه از معدود عکاسانی اسـت که توانسته ان‌قدر نزدیک و صمیمی لحظات زندگی شاهزادگان قاجار را ثبت کند و سپس با خط خود شرحی بر آن بنویسد. به‌جز عکس‌های خانواده قاجـار، نزدیکان و کارکنان کاخ، عکس‌هایـی از زندگی اجتماعی در آن زمـان نیز جلب توجه می کند. پس از دیدن چند بارهٔ عکس‌ها تازه به خاطر می‌آورم کـه در زیر تالار عمارت بادگیـر و درواقع حوض خانهٔ این تالار هسـتم. عمارتی وسـیع که در چهارگوشـه آن چهار بادگیر بلند از کاشـی‌های معرق آبی و زرد و سیاه با قبه‌هـای زرین قرار گرفته اسـت. از پله‌های عکسخانه بالا می‌آیم و کمی در باغ قدم می‌زنم، پس از خلوت کریم‌خانی، عمارتی که شکوهش مرا جذب می کند تـالار «شـمس العماره» بلندترین سـاختمان زمان خود در تهران است. اسمی آشنا که هم در شعرها و ترانه‌های قدیمی ایرانی آورده شده و هم سریالی به نامش ساخته شده است. شمس العماره عمارتی متفاوت، زیبا و پر از آینه کاری و گچبری است. این بنای پنج طبقه دیوارها و سقفی دارد که با توجه به تنوع و زیبایی در نوع خود در ایران کم‌نظیر اسـت و ترکیبی از معماری غربی و ایرانی است. به دلیل حفاظت از این بنای ارزشمند تنها طبقه اول شمس العماره پذیرای بازدیدکنندگان است؛ اما همان ایوان زیبا و منظرهٔ باغ از آن فراموش نشدنی است.

شمس العماره عمارتی متفاوت، زیبا و پر از آینه کاری و گچ‌بری است. این بنای پنج طبقه دیوارها و سقفی دارد که با توجه به تنوع و زیبایی در نوع خود در ایران کم‌نظیر است و ترکیبی از معماری غربی و ایرانی است

تجربه منحصربه‌فرد تالار آینه

اگر مثل من حتی آوردن یک قمقمه کوچک آب را هم فراموش کردید، نگران نباشـید کافهٔ کوچکی در حیاط کاخ وجود دارد که انواع نوشیدنی‌های سرد و گرم و همچنین غذا سرو می‌کند. البته پیشنهاد من سفارش نوشیدنیهایش است، غذاها را با قیمت کمتری میتوان بیرون از عمارت خریـد. جمع خرید چای و آب معدنی بـرای من حدوداً ده هزار تومان شد. در کنار کافه، فضایی برای پوشیدن لباس‌های قجری و گرفتن چند عکس یادگاری وجـود دارد که از رونق خوبی در بین بازدیدکنندگان برخوردار اسـت. روی صندلی‌های محصور در درختان می‌نشینم، زمانی که فنجان چای و قوری در روی میز قرار می‌گیرد، به یاد سرویس‌های چینی جواهرنشان اهدایی ملکه ویکتوریـا و دیگر ظروف چینی دکوری «تالار ظروف» در «تالار اصلی» می‌افتم. تالار «آینه» اما تجربه‌ای منحصربه‌فرد بود. اتاقی که در آن هزار بار تکرار می‌شوم و در هر قطعه کوچک آینه تنها بخشـی از خود را می‌یابم بی آنکه بتوانم اجزای تصویر خود را با تصویر آینه کناری به هم پیوند دهم. آینه‌هایی که در سقف هم تکرار می‌شوند و فرش زیبای دستباف کف تالار را دو چندان بازنمایی می‌کند.

نقش و نگار بلوچ در کاخ ابیض

کاخ «ابیض» یا موزهٔ «مردم‌شناسی» درست کنار فروشگاه صنایع دستی قرار دارد. در بخشی از موزه مجسمه‌هایی از اقوام مختلف ایرانی و شغل‌های مختلف با مشخصات ظاهری‌شـان با زیبایی و دقت تمام ساخته شـده‌اند. مجسمه درویشی با لباس سـفید، موهای بلند و کیف و کشـکولی که بر دوش دارد با آرامش پشت شیشه ایسـتاده است. مجسمه‌ای که از این مجموعه توجهم را جلب می کند مجسـمه‌ای با ابعاد کوچک اسـت با نام «پیرزن قمی» که چادری سورمه‌ای با چهارخانه‌های ریز دارد. پیرزنی با عینک دایره‌ای شـکل و لبخندی دوست‌داشتنی که طره‌ای از موی حنا گذاشـته‌اش از زیر چارقد سفیدش بیرون زده است. انگار پیرزن قمی از پشت‌ویترین به نوه‌هایش لبخند می‌زند. آخرین چیزی که در موزهٔ مردم شناسی می‌بینم لباس‌های اقوام مختلف ایران مانند لباس‌های سوزن‌دوزی شدهٔ بلوچ و لباس‌های روستایی مورد علاقهام ابیانه اسـت. از موزهٔ مردم شناسی که بیرون می‌آیم دقیقاً در نقطهٔ مقابل جایی هستم که شش سـاعت پیش آمدم. آفتاب ساعت سه ظهر کاخ را در برگرفته است؛ برای آخرین بار به دیوارهای پر از نقش و نگار کاخ نگاهی می‌اندازم. از کاخ گلستان خارج می‌شوم، از شلوغی دادگاه و کلانتری خبری نیست. کاخی که حالا تنها با یک دهم وسعتش در این مکان قرار دارد کم کم ساعت پایانی پذیرایی از بازدیدکنندگانش را می‌گذراند.

تمدید کنسرت ریچارد کلایدرمن



کنسـرت «ریچارد کلایدرمن» تمدید شـد. این آهنگساز سرشـناس فرانسـوی که در میان ایرانیان محبوبیـت فراوانـی دارد در نخسـتین اظهـار نظر رسمی خود در ایران خاطر نشـان کرد: «همیشه و در هر شرایطی تنها برای عشـق و صلح جهانی موسیقی ساخته و نواخته‌ام و مفتخرم که در حضور مردم مهمان نواز ایران برای نخستین بار به اجرای برنامه بپردازم.»

اگر علاقمند به تماشای کنسرت ریچارد کلایدرمن هستید، میتوانید برای آخرین اجرای هنرمند که جمعه ۸ تیرماه ساعت ۲۱:۳۰ در سالن وزارت کشور است از سایت ایران کنسرت بلیت تهیه کنید. قیمت بلیتهای این کنسرت از ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است.

کلایدرمن که پیش از اجرا و در بـدو ورود به ایران گفته بود سورپرایزی برای علاقمندانش دارد با اجرای قطعه «ای ایران» حاضرین در شـب نخسـت اجرا را شگفت زده کرد.

تو مشغول مردنت بودی



نمایش «تو مشغول مردنت بودی» از ۲۷ خرداد ماه در سالن قشقایی تئاتر شهر به روی صحنه رفته است و تا ۲۲ تیرماه ساعت ۲۰ اجرا میشود.

تو مشغول مردنت بودی نمایشنامه برگزیده سی و چهارمین جشـنواره بین المللی تئاتر فجر و همچنین نمایشـنامه برگزیده بنیاد ادبیات نمایشی ایران شده است.

در خلاصه تو مشـغول مردنت بودی آمده اسـت: «دختری بعد از بیست و پنج سال برگشته تا انتقام خود را از مادرش بگیرد.»

این نمایش بـه نویسـندگی کامران شـهلایی، کارگردانی مژگان خالقی و بـا بازی معصومه کریمی، نوید بانی، فائزه بختیار، فاطمه بختیار هر شب به مدت ۵۷ دقیقه به روی صحنه میرود. برای خرید بلیت این نمایش که ۳۰ هزار تومان است میتوانید به سایت تیوال مراجعه کنید.